

بررسی اثربخشی آموزش‌های فوق برنامه پیش‌تازان در افزایش خلاقیت و شادکامی دانش‌آموزان دختر متوسطه دوم شهرستان جویین

مریم مهدیان¹، زهرا کرمی باغظیفونی^{2*}

1. کارشناسی ارشد، روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه پیام نور

2. استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور

تاریخ دریافت: 1398/02/29 تاریخ پذیرش: 1399/03/19

The Efficacy of Extracurricular Educations of The Pishtazan Organization on Increasing the Creativity and Happiness of Secondary High School Female Students in Jovein City

M. Mahdian¹, Z. Karami Baghteyfouni^{2*}

1. M.A., Educational Psychology, Payame Noor University

2. Assistant Professor, Department of Psychology, Payame Noor University

Received: 2019/05/19 Accepted: 2020/06/08

Abstract

The purpose of this study was to investigate the effectiveness of extracurricular educations of the pishtazan organization on increasing the students' creativity and happiness. The research method was semi-experimental by pretest-post test with unequal control group design. The statistical population included all Joveinian female students in secondary high school in 97-98 educational year. A sample of 30 students were randomly assigned to experimental and control groups. The treatment phase was planned in ten 90-minute sessions that was given to experimental group. To gather data, the researcher used Torrance's creativity and Oxford's happiness questionnaire. The results showed that there is a significant difference between two groups in creativity and happiness based on covariance analysis. Finally, results indicated the role and importance of extracurricular educations of the pishtazan organization in increasing the students' creativity and happiness

Keywords

Extracurricular Educations of the Pishtazan Organization, Creativity, Happiness.

چکیده

پژوهش حاضر، با هدف بررسی اثربخشی آموزش‌های فوق برنامه پیش‌تازان بر افزایش خلاقیت و شادکامی دانش‌آموزان انجام شد. روش پژوهش نیمه آزمایشی، با طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه گواه بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دختر متوسطه پایه دوم شهرستان جویین در سال تحصیلی 97-98 بود. نمونه پژوهش شامل 30 نفر بود که از طریق نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به صورت کاملاً تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل گمارده شدند و سپس به گروه آزمایش به مدت 10 جلسه 90 دقیقه‌ای، فوق برنامه پیش‌تازان آموزش داده شد. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسش‌نامه‌های خلاقیت تورنس و شادکامی اکسفورد بود. یافته‌های حاصل از تحلیل کوواریانس حاکی از تفاوت معنادار بین گروه آزمایش و کنترل به لحاظ خلاقیت و شادکامی است. نتایج پژوهش نیز نقش و اهمیت آموزش‌های فوق برنامه پیش‌تازان را در افزایش خلاقیت و شادکامی دانش‌آموزان نشان داد.

واژگان کلیدی

آموزش‌های فوق برنامه پیش‌تازان، خلاقیت، شادکامی.

مقدمه

موفقیت دانش‌آموزان در مدرسه هدف اصلی هر نظام آموزشی است. موفقیت در مدرسه کسب تجربه‌های مناسب در کلیه ابعاد رشد شناختی، عاطفی، اجتماعی، رفتاری، زیستی را شامل می‌شود. کسب این تجربه‌ها در مدرسه می‌تواند در زندگی حال و آینده تاثیر سرنوشت‌سازی داشته باشد. برای رسیدن به این مهم باید بیشترین سرمایه‌گذاری را برای نسل نوجوان و جوان به کار برد تا مهارت‌های زندگی را که مجموعه‌ای از توانایی‌های افراد هستند و زمینه سازگاری و رفتار مثبت و مفید آنها را فراهم می‌نماید و به فرد کمک می‌کند تا مسئولیت‌ها و نقش اجتماعی خود را بپذیرد و به شکل موثرتری عمل کند؛ یعنی اول خود را بشناسد و سپس باور کند، به شکل موثر و مفید ظاهر شود. در این حالت فرد می‌تواند نیروهای وجودی خود را در جهت شادابی، خلاقیت، ابتکار و نوآوری و ایجاد زندگی مثبت برای خود و دیگران به کار گرفته و احساس بودن و گام برداشتن به سمت شدن را تجربه کند (دهقانی، روستایی، حبیبی، کاریزنوئی، افتخاریان، ترکمانی و خسروزاده، 1395: 3-5).

به‌علاوه، یکی از وظایف اصلی نظام تعلیم و تربیت در هر جامعه‌ای فراهم کردن زمینه و فرصت‌های مناسب یادگیری به مناسبت رشد و شکوفایی استعدادها و گوناگون و متنوع دانش‌آموزان است. علاوه بر نیازهای متنوع دانش‌آموزان، نیازهای برخاسته از شرایط خاص فرهنگی و اجتماعی در ابعاد ملی و محلی و همچنین اقتضانات بین المللی، نظام آموزش را با چالش جدی روبرو کرده است. هر کشوری بنا به دیدگاه‌ها و رویکردهای حاکم بر نظام برنامه‌ریزی درسی و آموزشی با شیوه‌های متفاوتی به دنبال تدابیر مناسب برای مواجهه با چالش‌های بالا است. یکی از راه‌های برون‌رفت از این چالش‌ها طراحی مناسب فعالیت‌های فوق برنامه برای پاسخگویی به نیاز آموزشی دانش‌آموزان با در نظر گرفتن نوع آزادی عمل و قدرت انتخاب انجام کار گروهی و وجود انعطاف و سایر ویژگی‌هاست (نادری، حاجی‌حسین‌نژاد، تاجیک‌اسمعیلی، زین‌آبادی، 1391: 3).

مدیران و معلمان به صورت موثر در برنامه یادگیری و فعالیت بهبود و بالا بردن سطح کیفیت نقش دارند. کار معلم و مربیان هنرمند این است که با فعالیت‌های پویا و زنده و با

ایجاد لحظات نشاط‌آور مفاهیم را به فراگیران عرضه کنند نه به عنوان وظیفه مکانیکی، بدون خلاقیت و نوآوری. ذهن دانش‌آموز نباید فقط مکانی برای انباشتن اطلاعات و محتویات کتاب باشد، بلکه باید به رشد همه جانبه دانش‌آموز نیز توجه شود. نتایج پژوهش محققان سایر کشورها نیز تاییدکننده مطلوب بودن فعالیت‌های فوق برنامه است (نادری، حاجی‌حسین‌نژاد، تاجیک‌اسمعیلی، زین‌آبادی؛ 1391: 3).

فعالیت‌های فوق برنامه به منظور حفظ انگیزه و ایجاد چالش در یادگیرنده به منظور تجربه در فضای آزاد، در عین حال مرتبط با موضوعات درسی طراحی می‌شود. این فعالیت‌های تقریباً غیررسمی، به کلاس و حتی گاهی به مدرسه محدود نیستند و بیش از هر عامل دیگر از میزان علاقه، تجربه و قدرت ابتکار معلم و دانش‌آموزان و مدرسه متاثر می‌شوند (حاجی‌آقالو، 1383: 15-17).

اهمیت ارائه آموزش‌هایی به این منظور، ضرورت ارائه آموزش‌های فوق برنامه پیش‌تازان که از جمله برنامه‌ها برای رسیدن به این اهداف در نظر گرفته شده است را در دانش‌آموزان تمام مقاطع به‌ویژه دانش‌آموزان دختر متوسطه دوم نشان می‌دهد.

پیش‌تازان به تعداد مشخصی از دانش‌آموزان داوطلب اطلاق می‌شود که با هدایت و نظارت مربی به منظور دستیابی به اهداف تربیتی و کسب مهارت‌های مفید اجتماعی از طریق آموزش و تمرین زندگی جمعی در قالب گروه و تیم دور هم جمع می‌شوند و با داشتن وظایف مشخص و تقسیم کار برای رسیدن به تربیت اجتماعی سالم و الهی، همکاری و تلاش می‌کنند. این تشکیلات زیر نظر سازمان دانش‌آموزی جمهوری اسلامی ایران اداره می‌شود (دهقانی، روستایی، حبیبی، کاریزنوئی، افتخاریان، ترکمانی، خسروزاده، 1395: 3-5).

هرچند توجه به پدیده آفرینندگی یا خلاقیت در حوزه روان‌شناسی عمدتاً با مطالعات گیلفورد در دهه 1950 میلادی شروع و سپس با تحقیقات تورنس در دهه 1970 تنها به عنوان یک زمینه مطالعاتی بنیادی مورد علاقه روان‌شناسان به مدارس وارد شد (کرافت¹، 2003). اما امروزه بسیاری از روان‌شناسان و مربیان تلاش کرده‌اند در

است که در واکنش به رویدادهای زندگی ظاهر می‌شود (دینر، 2005). افراد می‌توانند زندگی‌شان را به صورت قضاوت کلی (مانند رضایتمندی از زندگی یا احساس خرسندی) یا به صورت ارزیابی از حیطه‌های خاص زندگی‌شان یا احساسات هیجانی اخیر خود در رابطه با آنچه برایشان رخ داده است، هیجان‌ناخوشایند که از ارزیابی‌های مثبت تجربیات فردی ناشی می‌شود و سطوح پایین احساسات ناخوشایند که از ارزیابی‌های مثبت تجربیات فردی ناشی می‌شود و سطوح پایین احساسات ناخوشایند که از ارزیابی‌های منفی تجربیات فردی ناشی می‌شود، بررسی و ارزیابی کنند (دینر و لوکاس⁸، 2002: ص 73-63). به سه دلیل عمده، شادکامی را باید در مدارس آموزش داد. شادکامی به عنوان پادزهری در مقابل افسردگی؛ محرکی برای افزایش رضایت از زندگی و نیرویی کمکی برای یادگیری بهتر و تفکر خلاقانه‌تر است. از طرفی انسان از دیر باز به دنبال این بوده که چگونه می‌تواند بهتر زندگی کند و چه چیزی بیشتر موجبات رضایتش را فراهم می‌کند و با چه ساز و کارهایی می‌تواند از زندگی در این دنیا لذت ببرد؛ افراد شاد احساس امنیت بیشتری می‌کنند، آسان‌تر تصمیم می‌گیرند، روحیه مشارکتی بیشتری دارند و نسبت به کسانی که با آنها زندگی می‌کنند، بیشتر احساس رضایت می‌کنند، سلامت جسمانی و روانی آن‌ها بیشتر است، طول عمر بیشتری دارند و از نظر شغلی و اجتماعی، موفقیت‌های بیشتری کسب می‌کنند (فریش⁹، 2005). لو و آرگایل¹⁰ (1991)، در پژوهشی با عنوان شادی و مشارکت این فرضیه را آزمودند که مشارکت یکی از عوامل شادی‌آفرین است. نتایج به دست آمده نشان داد دانش‌آموزانی که از فعالیت‌های گروهی لذت برده‌اند شادی بیشتری از خود نشان می‌دهند؛ ولی دانش‌آموزانی که در فعالیت‌های گروهی کمتر شرکت داشته‌اند در پژوهش میزان شادی کمتری از خود نشان می‌دهند (جعفری، سیادت و بهادران، 2008).

با توجه به مطالب بالا، پژوهشگران در پی پاسخ دادن به این سوال بودند که آیا آموزش‌های فوق برنامه پیش‌نشان

سال‌های اخیر به این امر به صورت کاربردی توجه کنند و آموزش آن را در حوزه‌های موثر زندگی، همچون نظام آموزشی و به‌ویژه در مدارس گسترش دهند (پرسود¹، 2007). تفکر خلاق از پیچیده‌ترین و عالی‌ترین جلوه‌های اندیشه انسان است (موریس²، 2006). به زعم تورنبول³ و همکاران (2010)، خلاقیت، توانایی تولید افکار جدید، به شکل‌های جدید، برای یافتن راه‌های جدید برای حل مسئله است؛ در حالی که رابرت گانیه⁴ (1984)، خلاقیت را نوع ویژه‌ای از حل مسئله می‌داند، وولفولک⁵ (1993)، معتقد است که هسته اصلی تمام مفاهیم مربوط به خلاقیت را مفهوم تازگی تشکیل می‌دهد و آفرینندگی به راه‌های تازه، اصیل، مستقل و تخیلی اندیشیدن درباره کار می‌انجامد. تورنس⁶ (1988)، ابداع‌کننده مقیاس خلاقیت، با انجام بیش از 140 پژوهش در این زمینه اعتقاد دارد که خلاقیت به معنای آفریدن، به وجود آوردن و بیان عقاید بدیع است و می‌توان آن را به افراد آموزش داد (گله دار، محتشم، 1394: ص 2).

به اعتقاد روان‌شناسان و مربیان تعلیم و تربیت، دو مدل کلی برای پرورش خلاقیت یا آفرینندگی وجود دارد؛ یکی مربوط به فرد و دیگری مربوط به محیط است. در شیوه مربوط به فرد، کودک راه‌ها و روش‌هایی را می‌آموزد و به کار می‌گیرد تا به رشد و شکوفایی آفرینندگی وی منجر شود؛ در حالی که در شیوه مربوط به محیط از روش‌هایی استفاده می‌کنند که منجر به شکوفایی قدرت آفرینندگی فراگیر شود (هیاسلر⁷، 1998: ص 463-468).

شادکامی نیز که هدف مشترک همه افراد است و همگی برای آن تلاش می‌کنند، عبارت است از ارزشیابی‌هایی که افراد از خود و زندگی‌شان به عمل می‌آورند. این ارزشیابی‌ها می‌تواند جنبه شناختی داشته باشد؛ مانند قضاوت‌هایی که درباره خشنودی از زندگی صورت می‌گیرد و یا جنبه عاطفی باشد که شامل خلق و هیجان‌انگیزی

1. Persaud
2. Morris
3. Turnbull
4. Gagne
5. Woolfolk
6. Torrance
7. Heausler

8. Diener & Lucas

9. Frisch

10. Lu, L. & Argyle

می‌تواند بر افزایش خلاقیت و شادکامی دانش‌آموزان تاثیر معناداری داشته باشد یا خیر؟

روش

این پژوهش با هدف کاربردی و با رویکرد کمی و به روش نیمه آزمایشی با گروه کنترل انجام شده است. جامعه پژوهش حاضر شامل کلیه دانش‌آموزان دختر متوسطه دوره دوم شهرستان جوبین در سال تحصیلی 97-98 به تعداد 1100 نفر بود. نمونه پژوهش 30 نفر از دانش‌آموزان جامعه آماری بودند که با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. دانش‌آموزان شرکت‌کننده در پژوهش به شکل تصادفی در دو گروه 15 نفره (گروه آزمایش و گروه کنترل) گمارده شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل کواریانس یک متغیره (آنکوا) و چند متغیره (مانکوا) استفاده شد.

ابزارهای پژوهش

1. پروتکل آموزشی: پس از اجرای پیش‌آزمون از گروه آزمایش و کنترل، گروه آزمایش 10 جلسه 90 دقیقه‌ای تحت آموزش‌های فوق برنامه پیش‌تازان قرار گرفتند. جلسات در طول 5 هفته و هر هفته دو جلسه برگزار شد. پس از اتمام جلسات آموزشی، از هر دو گروه پس‌آزمون گرفته شد. در طول جلسات، دانش‌معرفتی، تشکیلاتی و مهارتی پیش‌تازان آموزش داده شد. **جلسه اول** با آموزش دانش معرفتی شروع شد و در طول جلسه در رابطه با ادب و خوش خلقی، راستی و درستی، نظم و انضباط و اهمیت آن برای یک پیش‌تاز همراه با احادیث و اشعار بحث شد. در **جلسه دوم** سلام و ادای احترام خاص پیش‌تازان، شعار پیش‌تازان، روش آماده کردن دستمال گردن، قوانین صف جمع و اجرای عملی گارد پرچم و حاملین قرآن برای اجرا در مراسم‌ها آموزش داده شد. **جلسه سوم** مخابره با چوب و مخابره با پرچم آموزش داده شد و دانش‌آموزان به صورت گروهی برنامه را اجرا کردند و با فریادهای شادی و دست نوجوان سختکوش، سایر دانش‌آموزان نیز تشویق می‌شدند. **جلسه چهارم** جهت یابی در روز و شب و پیدا کردن قبله به صورت تئوری در داخل کلاس و **جلسه پنجم** جهت یابی در روز و پیدا کردن قبله به صورت عملی در محوطه آموزشگاه همراه با رسم اشکال برگزار شد. در **جلسه ششم و هفتم**

آموزش کمک‌های اولیه به صورت تئوری و عملی انجام شد. در **جلسه هشتم** نحوه کار با چوب و طناب و آشنایی با انواع گره‌ها آموزش داده شد و در **جلسه نهم و دهم** پروژه‌های چوب‌بندی ساخته شدند. قسمت جذاب آموزش‌های فوق برنامه پیش‌تازان که فریادهای شادی و انواع تشویق‌ها است در اثنای تمام جلسات در طول دوره آموزش اجرا شد.

2. پرسش‌نامه خلاقیت: در پژوهش حاضر برای اندازه‌گیری خلاقیت، از پرسش‌نامه استاندارد خلاقیت تورنس استفاده شد. آزمون تفکر خلاق تورنس در واقع چهار عامل تشکیل دهنده خلاقیت یعنی سیالی، ابتکار، انعطاف و بسط را می‌سنجد که به ترتیب شامل 16، 22، 11 و 11 گزینه است؛ یعنی سوال‌های 1 تا 22 عامل سیالی، 23 تا 33 عامل بسط، 34 تا 49 عامل ابتکار و 50 تا 60 عامل انعطاف پذیری را می‌سنجد؛ البته هریک از این دسته سوالات در واقع یک خرده آزمون را تشکیل می‌دهند. هرگزینه سه پاسخ متفاوت الف، ب و ج (کیفی) با ارزش تبدیل به کمیت عددی 0، 1 و 2 را دارند. فرض است در هر مورد سوال، انتخاب‌کننده گزینه الف کمترین و انتخاب‌کننده ج بیشترین میزان خلاقیت را دارد. مجموع نمرات کسب شده در هر خرده آزمون، نمایانگر نمره آزمودنی در آن بخش است و مجموع نمرات آزمودنی در چهار خرده آزمون، نمره کلی خلاقیت فرد را نشان می‌دهد. نمرات حاصل از سنجش هر چهار عامل به تنهایی و مجموع نمرات در کل، قابل تحلیل و تفسیر هستند. دامنه نمره کل خلاقیت هر آزمودنی بین 0 تا 120 خواهد بود. طبق تحقیقات دکتر عابدی، آزمون خلاقیت هم از نظر روایی همزمان (با اجرای همزمان آزمون اصلی خلاقیت تورنس و آزمون خلاقیت دکتر عابدی نتایج معنی داری از همبستگی بین عوامل چهارگانه هر دو آزمون به دست آمده است؛ مثلاً همبستگی بین دو خرده آزمون ابتکار ($r = 497\%$) و بین دو خرده آزمون سیالی (468%) بوده است. براساس تحقیقات کفایت اعتبار کل آزمون 27% ، مقیاس سیالی 09% ، مقیاس انعطاف‌پذیری 13% ، مقیاس ابتکار 015% و مقیاس بسط 24% گزارش شده که ضرایب به دست آمده در سطح 5% معنادار هستند؛ همچنین ضریب پایایی کل آزمون بین 80% تا 90% ذکر شده است. بر اساس نتایج تحقیقات انجام شده توسط عابدی پایایی آزمون خلاقیت استفاده شده که از طریق آزمون مجدد روی

کرده‌اند. بالاترین نمره‌ای که آزمودنی می‌تواند در این مقایسه کسب کند، 87 است که بیانگر بالاترین حد شادکامی بوده و کمترین نمره این مقیاس صفر است که موید ناراضی بودن آزمودنی از زندگی و افسردگی فرد است. نمره بهنجار این آزمون بین 40 تا 42 است. پایایی این پرسش‌نامه نیز در پژوهش حاضر 0/85 به دست آمد.

یافته‌ها

فرضیه اصلی: آموزش‌های فوق برنامه پیش‌نشان، خلاقیت و شادکامی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوم را افزایش می‌دهد.

دانش‌آموزان مدارس راهنمایی تهران در سال 1363 به دست آمده در چهار بخش آزمون به این شرح است: ضریب پایایی بخش سیالی 85%، بخش ابتکار 82%، بخش انعطاف‌پذیری 85% و در بخش بسط 80% بوده است (عابدی، 1372). در پژوهش حاضر نیز ضریب پایایی کل آزمون 80% به دست آمد.

3. **پرسش‌نامه شادکامی آکسفورد:** آزمون شادکامی آکسفورد (OHI) 29 ماده دارد و میزان شادکامی فردی را می‌سنجد. پایه نظری این پرسش‌نامه تعریف آرگایل و کراسلند از شادکامی است. آنها به منظور ارائه یک تعریف عملیاتی از شادکامی آن را سازه‌ای دارای سه بخش مهم

جدول 1. کوواریانس و اثرات بین آزمودنی‌ها

منبع تغییرات	مجموع		درجه آزادی	میانگین مجذوات	سطح معناداری
	متغیر وابسته	مجذوات			
گروه	پس‌آزمون خلاقیت	197.160	1	197.160	011.0
	پس‌آزمون شادکامی	565.720	1	565.720	001.0
خطا	پس‌آزمون خلاقیت	567.549	26	137.21	
	پس‌آزمون شادکامی	819.979	26	685.37	
کل	پس‌آزمون خلاقیت	000.177759	30		
	پس‌آزمون شادکامی	273.68560	30		
کل تصحیح شده	پس‌آزمون خلاقیت	167.3718	29		
	پس‌آزمون شادکامی	200.6179	29		

برای بررسی این فرضیه، به منظور کنترل اثر پیش‌آزمون از روش تحلیل کواریانس چندمتغیری (مانکووا) استفاده شد. در این حالت، نمرات پس‌آزمون خلاقیت و شادکامی به عنوان متغیرهای وابسته، متغیر گروه (با دو سطح) به عنوان متغیر مستقل و نمرات پیش‌آزمون خلاقیت و شادکامی به عنوان متغیرهای هم‌پراش وارد معادله تحلیل کواریانس چندمتغیری شدند.

نتایج جدول تحلیل کواریانس چند متغیری نشان می‌دهد که عامل گروه یا مداخله انجام شده روی گروه آزمایش، درباره متغیر شادکامی ($P \leq 0,001$) و $F=19/121$ و متغیر خلاقیت ($P \leq 0,001$) و $F=7/579$ از لحاظ آماری در سطح 0/05 معنادار است؛ در نتیجه می‌توان گفت که متغیر مستقل باعث ایجاد تفاوت درباره متغیرهای شادکامی و خلاقیت بین دو گروه آزمایش و گواه شده است.

دانسته‌اند؛ فراوانی و درجه عاطفه مثبت، میانگین سطح رضایت در طول یک دوره و نداشتن احساس منفی. این آزمون در سال 1989 توسط مایکل آرگایل و بر اساس پرسش‌نامه افسردگی بک (1976)، ساخته شده است. 21 عبارت از عبارات این پرسش‌نامه از پرسش‌نامه افسردگی بک گرفته شده و معکوس گردیده و یازده پرسش نیز به آن اضافه شده است تا سایر جنبه‌های سلامت ذهنی را پوشش دهد؛ مانند آزمون افسردگی بک، هر گویۀ پرسش‌نامه شادکامی دارای چهار گزینه است که آزمودنی باید بر طبق وضعیت فعلی خودش یکی از آنها را انتخاب کند. امروزه به طور گسترده‌ای از این آزمون در پژوهش‌های مربوط به شادکامی استفاده می‌شود. آرگایل و همکاران، پایایی پرسش‌نامه آکسفورد را به کمک ضریب آلفای کرونباخ 0/90 و پایایی بازآزمایی آن را طی هفت هفته 0/78 گزارش

بر این اساس، فرضیه بالا درباره تاثیر آموزش‌های فوق برنامه پیش‌تازان بر متغیرهای شادکامی و خلاقیت دختران مقطع متوسطه دوم در گروه آزمایش در مقایسه با گروه گواه

دختر مقطع متوسطه دوم تأثیرگذار باشد و آن را افزایش دهد.

همچنین در جدول (3) نشان داده شده است، مجموع

جدول 2. آزمون کوواریانس جهت بررسی فرضیه اول فرعی (خلاقیت)

منبع واریانس	مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجذورات میانگین	F	سطح معناداری	مجذور ایتهای جزئی
گروه	161,194	1	161,194	7,802	0,009	0,224
خطا	557,825	27	20,660			
کل	177759,00	30				
کل تصحیح شده	3718,167	29				

که آموزشی دریافت نکرده بودند، تایید شد.

فرضیه فرعی اول: آموزش‌های فوق برنامه پیش‌تازان، خلاقیت دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوم را افزایش می‌دهد.

فرضیه فرعی دوم: آموزش‌های فوق برنامه پیش‌تازان، شادکامی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوم را افزایش می‌دهد.

همان طور که در جدول (2) نشان داده شده است،

مجذورات و میانگین مربعات مربوط به گروه‌ها برابر 674,393 و $F = 17,642$ است که در سطح $(P \leq 0,05)$ معنادار است؛ به عبارت دیگر بین گروه‌ها بعد از تعدیل نمرات پیش‌آزمون اختلاف معناداری وجود دارد و آموزش‌های فوق برنامه پیش‌تازان بر افزایش شادکامی دختران مقطع متوسطه دوم تأثیر معناداری داشته است. مربع ایتهای جزئی (اندازه اثر) برای تأثیر متغیر مستقل در متغیر وابسته برابر 0,395 است که نشان می‌دهد 39 درصد

که آموزشی دریافت نکرده بودند، تایید شد.

فرضیه فرعی اول: آموزش‌های فوق برنامه پیش‌تازان، خلاقیت دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوم را افزایش می‌دهد.

فرضیه فرعی دوم: آموزش‌های فوق برنامه پیش‌تازان، شادکامی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوم را افزایش می‌دهد.

همان طور که در جدول (2) نشان داده شده است،

جدول 3. آزمون کوواریانس جهت بررسی فرضیه دوم فرعی (شادکامی)

منبع واریانس	مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجذورات میانگین	F	سطح معناداری	مجذور ایتهای جزئی
گروه	674,393	1	674,393	17,642	0,001	0,395
خطا	1032,106	27	38,226			
کل	68560,00	30				
کل تصحیح شده	200,6179	29				

تغییرات در متغیر وابسته توسط متغیر مستقل تبیین می‌شود؛ یعنی فرض صفر پژوهش رد می‌شود و فرض خلاف تایید می‌گردد؛ به عبارتی آموزش‌های فوق برنامه پیش‌تازان توانسته است 39 درصد بر افزایش شادکامی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوم تأثیرگذار باشد و آن را افزایش دهد.

نتیجه‌گیری و بحث

فرضیه اصلی پژوهش (آموزش‌های فوق برنامه پیش‌تازان باعث افزایش خلاقیت و شادکامی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوم شود) تایید شد. یافته‌های این پژوهش با

مجموع مجذورات و میانگین مربعات مربوط به گروه‌ها برابر 161,194 و $F = 7,802$ است که در سطح $(P \leq 0,05)$ معنادار است؛ به عبارت دیگر بین گروه‌ها بعد از تعدیل نمرات پیش‌آزمون اختلاف معناداری وجود دارد و آموزش‌های فوق برنامه پیش‌تازان بر افزایش خلاقیت دختران مقطع متوسطه دوم تأثیر معناداری داشته است. مربع ایتهای جزئی (اندازه اثر) برای تأثیر متغیر مستقل در متغیر وابسته برابر 0,224 است که نشان می‌دهد 22 درصد تغییرات در متغیر وابسته توسط متغیر مستقل تبیین می‌شود؛ یعنی فرض صفر پژوهش رد می‌شود و فرض خلاف تایید می‌گردد؛ به عبارتی آموزش‌های فوق برنامه پیش‌تازان توانسته است 22 درصد بر افزایش خلاقیت دانش‌آموزان

می‌کنیم که زمینه‌ای برای کاهش سختی‌ها و مشکلات زندگی است.

همچنان که ملاحظه شد فرضیه فرعی دوم (آموزش‌های فوق برنامه پیش‌نشان باعث افزایش شادکامی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوم شود) نیز تایید شد؛ به عبارت دیگر بین گروه‌ها بعد از تعدیل نمرات پیش‌آزمون اختلاف معناداری وجود داشت و آموزش‌های فوق برنامه پیش‌نشان بر افزایش شادکامی دختران مقطع متوسطه دوم تأثیر معناداری داشت و 39 درصد تغییرات در متغیر وابسته توسط متغیر مستقل تبیین شد؛ یعنی آموزش‌های فوق برنامه پیش‌نشان توانست 39 درصد برافزایش شادکامی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوم تأثیرگذار باشد. یافته‌های این پژوهش با یافته‌های گل محمدیان و فرید (2016)، وولک (2008)، جعفری و طالب زاده (1389)، همسو است؛ همچنین نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش فولادی و همکاران (1395)، همسو است؛ چرا که پژوهش آنها نیز نشان داد که آموزش سرزندگی تحصیلی باعث افزایش معنادار معنای زندگی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دختر می‌شود. در تبیین این یافته‌ها می‌توان به این نکته اشاره کرد با استفاده از روش‌های شادی‌بخش در جریان آموزش و برنامه‌ریزی آموزشی فراگیران، می‌توان علاوه بر ایجاد محیطی رضایت‌بخش برای دانش‌آموزان، با بسیاری دیگر از مشکلات از جمله میزان غیبت، دیرآمدگی، بی‌حوصلگی و کسالت در کلاس و... مقابله کرد؛ بنابراین توجه به تأثیر روش‌های شادی‌بخش در برنامه‌ریزی آموزشی دوره‌های مختلف تحصیلی بسیار ضروری به نظر می‌رسد و بیشتر والدین و متخصصان تعلیم و تربیت، بالا بردن سطح صفات مثبت و شادکامی و آسایش روانی را جنبه مهمی از مدرسه رفتن بچه‌ها می‌دانند (نیازآذری، 1392).

دانش‌آموزان هنرستانی. رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کاردانش، 40.

امیر، ن، غلامحسین حاجی حسین، ن، عزیزالله تاجیک، ا، و حسن رضا زین، آ (1391). ویژگی‌های اهداف فعالیت‌های فوق برنامه دانش‌آموزان دبیرستانی با رویکرد پیشگیری از

یافته‌های نظریه و کریمی (2016)، حاجی‌زاده شبانی و حاجی‌زاده (1396) و حسن پور (1392) همسو است؛ در تبیین این یافته‌ها می‌توان به نتایج پژوهش محققان سایر کشورها که مؤید مطلوب بودن فعالیت‌های فوق برنامه است، اشاره کرد؛ به عنوان مثال شولروف، تولمن و تولی (2007)، بر تاثیر مثبت فوق برنامه بر عملکرد دانش‌آموزان در نتایج تحقیقات خود تاکید داشته‌اند.

همان‌طور که ملاحظه شد فرضیه فرعی اول (آموزش‌های فوق برنامه پیش‌نشان باعث افزایش خلاقیت دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوم شود) نیز تایید شد و آموزش‌های فوق برنامه پیش‌نشان توانست 22 درصد بر افزایش خلاقیت دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوم تأثیرگذار باشد؛ یافته‌های این پژوهش با یافته‌های ابراهیم‌پور (1393)، حسن پور (1392)، روح‌اللهی (1372) و تورنبول، آیسون و مالکولم (2010)، همسو است؛ در تبیین این یافته می‌توان گفت که امروزه بسیاری از روان‌شناسان تلاش کرده‌اند به امر خلاقیت به صورت کاربردی توجه کنند و آموزش آن را در حوزه‌های موثر زندگی همچون نظام آموزشی و به ویژه در مدارس گسترش دهند (پرسود، 2008).

کالینز (2006)، استدلال می‌کند که خلاقیت اثر مثبت، سلامت جسمی، تنظیم روانی و نشاط را پیش‌بینی می‌کند. به نظر باستیک (2003)، خلاقیت دارای قدرت پیش‌بینی است. در یک متاآنالیز از 60 مطالعه تجربی و 10 مطالعه غیرتجربی، نتایج نشان داده است که خلق و خوی مثبت باعث افزایش خلاقیت می‌شود (دیویس، 2009). باس و همکاران (2008) در یک متاآنالیز از 102 مطالعه نشان دادند که خلق و خوی مثبت باعث خلاقیت بیشتری در مقایسه با خلق و خوی خنثی است. پژوهش سجادی منز و همکاران (1393)، نشان داد که الگوی خلاقیت درمانی توانسته است افزایش معناداری را در عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل به وجود آورد. مالتز (1984)، معتقد است که با کمک تفکر خلاق ما به شادی کمک

منابع

احمد، ز، طاهره ابراهیم، پ. و دکتر حسن، ز (1396). اثربخشی آموزش تفکر خلاق بر بهبود مهارت خلاقیت و حل مسئله

- سجادی منز، حمیدرضا؛ پیر خائفی، علیرضا (1396). بررسی اثر بخشی الگوی خلاقیت درمانی بر ارتقای انگیزه و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان، فصلنامه پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی، سال چهارم، شماره 4: 39-48.
- فولادی، اسما؛ کجیاف، محمد باقر و قمرانی، امیر (1395). بررسی اثربخشی آموزش سرزندگی تحصیلی بر معنای تحصیلی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دختر پایه سوم دوره متوسطه شهر مشهد، فصلنامه پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی، سال چهارم، شماره 3: 103-93.
- کیومرث نیاز، آ (1392). بررسی تاثیر شادابی و نشاط در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان متوسطه شهرستان ساری. مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی، سال دوم (3)، 57-35.
- گل محمدیان، م.، و فرید، ز (2016). اثربخشی گروه‌درمانی شناختی- رفتاری بر کفایت اجتماعی و شادکامی دانش‌آموزان. فصلنامه پژوهش‌های کاربردی در روان‌شناسی تربیتی، 2 (2)، 68-79.
- گله دار، م. و محتشم، ل (1394). تاثیر روش‌های آموزش خلاقیت بر میزان خلاقیت دانش‌آموزان. دومین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روان‌شناسی آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران.
- نادری، ا.، حاجی‌حسین‌نژاد، غ.، تاجیک‌اسمعیلی، ع. ا. و زین‌آبادی، ح. ر (1391). ویژگی‌های اهداف فعالیت‌های فوق برنامه دانش‌آموزان دبیرستانی با رویکرد پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی. روان‌شناسی تربیتی، 24 (8)، 71-98.
- Buss, D. M. (2000). The evolution of happiness. *American psychologist*, 55 (1), 15
- Craft, A. (2003). The limits to creativity in education: Dilemmas for the educator. *Br Educ Res J*; 51 (2): 113.
- Diener, E. (2000). Subjective well-being: The science of happiness and a proposal for a national index. *American psychologist*, 55 (1), 34.
- Diener, E., R. Lucas, et al. (2002). Subjective well – being. *Handbook of positive psychology*. C. R. Snyder and S. Lopez . New York: Oxford University Press: (pp. 63-73).
- Frisch, M. B. (2005). *Quality of life therapy: Applying a life satisfaction approach to positive psychology and cognitive therapy*: John Wiley & Sons.
- آسیب‌های اجتماعی. *روان‌شناسی تربیتی (روان‌شناسی و علوم تربیتی علامه سابق)*، 1391 (24).
- جعفری، ا.، سیادت، ع.، و بهادران، ن (2008). بررسی عوامل مؤثر در شادابی مدارس. *اندیشه‌های نوین تربیتی*، 4 (1)، 44-31.
- جعفری، پرویش؛ طالب زاده، فاطمه (1389). ارائه مدلی برای نشاط و شادی در مدارس ابتدایی شهر تهران. *فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، سال چهارم، شماره 4، زمستان.
- حاجی اقالو، عباس؛ آقازاده، محرم و دیگران (1383). راهنمای تهیه فعالیت‌های مکمل و فوق برنامه. تهران انتشارات موسسه فرهنگی منادی تربیت.
- حاجی زاده شبانی، اصغر. حاجی زاده، معصومه (1396). بررسی نقش فعالیت‌های فوق برنامه درسی بر عملکرد اجتماعی - تحصیلی - عاطفی دانش‌آموزان از دیدگاه معلمان. همایش علمی پژوهشی استانی راهبردها و راهکارهای ارتقاء کیفیت در آموزش پرورش شهرستان میناب
- حسن پور، منصوره (1392). تاثیر فعالیت‌های فوق برنامه مدارس بر مهارت‌های اجتماعی و خلاقیت دانش‌آموزان دختر مدارس راهنمایی شهر مرودشت. *دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی*. دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت.
- دهقانی، اردشیر؛ حبیبی کاریز نوئی، اعظم؛ روستایی، داوود؛ افتخاریان، افشین و ترکمانی، رمضان (1395). دانستنی‌ها و مهارت‌های تشکیلاتی پیش‌تازان و فرزندان جوان چوینده سطح 10. تهران: انتشارات جلوه نگار.
- روح‌اللهی، مهدی (1379). بررسی تاثیر آموزش‌های ویژه ارائه شده در دوره متوسطه بر خلاقیت دانش‌آموزان پایه سوم، رساله ارشد دانشگاه تربیت معلم تهران.
- Heausler, N. L. & Thompson, B. (1988). Structure of the Torrance Tests of creative thinking. *Educational and Psychological Measurement*, 48 (2), 463-468
- Morris, W. (2006). *Creativity—its place in education*. New Zealand. Jpb. com.
- Persaud, R. (2007). Why teaching creativity requires more than just producing more 'creativity'. *Thinking skills and creativity*, 2 (1), 68-69.
- Turnbull, M., Littlejohn, A. & Allan, M. (2010). Creativity and collaborative learning and teaching strategies in the design disciplines. *Industry and Higher Education*, 24 (2), 127-133.
- Wolk S. (2008). *Joy in School. The Positive Class room*. A. S. C. D. Vo. 66.